

## حوادث

## قصه فرار از شلیک های طالبان چه بود؟

# راز دستبرد ۵۰۰ هزار دلاری!

**سید خلیل سجادپور** - راننده مسافر بر شخصی که مدعی بود از زیر رگبار گلوله های طالبان، جان سالم به برد در است، راز دستبرد ۵۰۰ هزار دلاری به اموال یک بازرگان افغانستانی را در حالی فاش کرد که حکایت عجیب آن به یک صرافی در مشهد رسید.

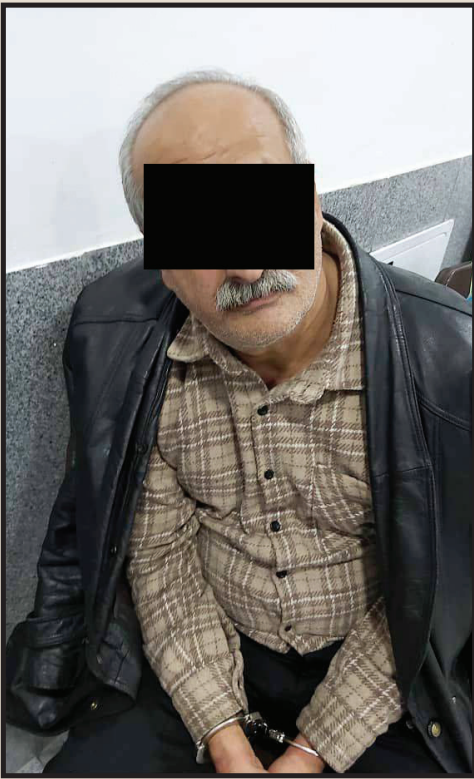
به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، حدود یک ماه قبل بود که یکی از بازرگانان کشور افغانستان با چهره ای غمگین وارد پلیس آگاهی خراسان رضوی شدو ناامیدانه حکایتی تلخ را بازگو کرد که چگونه همه سرمایه اش را به دلیل یک سهل انگاری ساده از دست داده بود!این مرد بازرگان که «قانون» رانتها پانگاهه خودمی دانست درباره چگونگی وقوع ماجرا گفت: راننده مسافربری را چند سال قبل می شناختم که در مسیر هرات - مشهد مسافر کشی می کرد. او مردی موجه و کاملاً مورد اعتماد بود چرا که بارها کالاها ی امانتی زیادی را به او سپرده بودم و هیچ گاه خیانتی ندیدم. به همین دلیل همیشه سعی می کردم طوری برنامه ریزی کنم که «اصغر» (راننده خودروی سواری) اشیا و اموال باارزشی مانند دلار یا ریال ها را برایم بین دو کشور جابه جا کند!

خلاصه آن روز هم قرار بود ۵۰۰ هزار دلار حاصل از فروش کالا را که بسته بندی کرده بودم در افغانستان به ایران انتقال دهم که بتوانم به فعالیت های اقتصادی و معاملات خود ادامه بدهم! ولی روز بعد زمانی که با راننده ۵۵ ساله تماس گرفتم. از آن چه می شنیدم خشمگن زدم! گوش ی تلفن در دستم یخ کرده بودو نمی دانستم چه بگویم چرا که یقین داشتم او مردی نیکترانگ نیست و حقیقت ماجرا را بازگو می کند!

طبق اظهارات «اصغر» همه ارزهای خارجی

آن منطقه گریختم و خودم را به ایران رساندم! و سپس ماجرا را تلفنی برای مرد بازرگان توضیح دادم...

بنابر گزارش روزنامه خراسان، اگرچه این مرد میان سال خیلی خونسرد و شرمگین حادثه توقیف ۵۰۰ هزار دلار را شرح می داد



اما کارآگاهان پلیس آگاهی بر جمله ای که «قبلا نیز چنین حوادثی در افغانستان رخ داده است!» متمرکز شدند و راننده را تا تکمیل تحقیقات پلیسی در حالی آزاد کردند که به صورت نامحسوس زیر چتر اطلاعاتی

قرار داشت. از سوی دیگر گروه تخصصی کارآگاهان با هدایت مستقیم سرهنگ محمد رضا افتخاری (رئیس اداره عملیات ویژه پلیس آگاهی خراسان رضوی) در بررسی های اطلاعاتی و بانکی متهم که با هماهنگی قضایی صورت گرفت به ماجرای عجیب رسیدند. هیچ پول هنگفتی در حساب های بانکی «اصغر» وجود نداشت اما یکی از تراکنش های بانکی مشکوک به یک خط مخفی تلفن همراه را سال شده بود که با مشخصات راننده ۵۵ ساله نیز تطبیق نمی کرد. در عین حال تیزبینی کارآگاهان، آنان را به تاریکخانه ماجراهای معماگونه کشاند که در نهایت مشخص شد این حساب های بانکی به نام برخی از روستاییان یکی از شهرهای مرزی بین ایران و افغانستان در بانک های کشور گشوده شده است. به طوری که سرخ هایی از حدود ۲۰ میلیارد تومان در این حساب های مجهول وجود دارد.

با این سرخ مهم، کارآگاهان با راهنمایی های رئیس پلیس آگاهی دامنه بررسی های خود را به سوی افرادی سوق دادند که از بستگان راننده مذکور بودند چرا که اکنون دیگر کارآگاهان یقین داشتند که ماجرای توقیف دلارها و شلیک های پلیس طالبان فقط یک قصه ساختگی برای دستبرد به وجوه ۵۰۰ هزار دلاری

است!

ادامه تحقیقات بیانگر آن بود که خواهرزاده مادری راننده که در زمینه خرید و فروش مسکن فعالیت دارد، در یک اقدام سریع چندین ملک و خودرو خریده است و هم اکنون

# نقشه هولناک خواهر و برادر برای قتل خواهر کوچک تر

قتل خواهرش باز داشت شد و این خواهر و برادر در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستادند. سپس الهام به دفاع پرداخت و گفت: من هیچ کدام از حرف های برادر م را قبول ندارم. او دروغ می گوید. من خودم ۱۴ سال با خواهرم قهر بودم و هیچ رفت وآمدی با او نداشتم. ما آن روز به خانه الناز رفته بودیم تا با او صحبت کنیم و قصدمان کشتن اش نبود. من از نقشه برادر م برای قتل اطلاعی نداشتم. او در پاسخ به سوال قاضی مبنی بر این که چرا حقیقت را پنهان کردو همان ابتدا نگفت برادرش قاتل است، توضیح داد: قاتل برادر م بودو می خواستم او با کمک کنم. به همین دلیل از ترس سکوت کردم. در ابتدای جلسه وکیل اولیای دم در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: حال پدر و مادر الناز آن قدر بد است که نتوانستند حتی در دادگاه حاضر شوند. به همین دلیل برای عامل این جنایت، قصاص و برای معاون، اشد مجازات می خواهند. با پایان دفاعیات متهمان ووکلای آن ها، قضات وارد شور شدند تا حکم صادر کنند.

در ساختمان مشاهده نکرده اند.

کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پس از دریافت این اطلاعات، شناسایی عامل یا عاملان جنایت را در دستور کار خود قرار دادند و دور بین های اطراف خانه مد نظر را برای اکتشافی سرخ بازبینی کردند. با دستور بازپرس کشیک قتل، جسد مقتول برای معاینات بیشتر به پزشکی قانونی منتقل شدو تحقیقات توسط کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی ادامه دارد.

# سرقت ۵ کیلو طلا از مغازه طلافروشی در کریمخان

از گاو صندوق را بریده و دست به سرقت طلا و جواهرات زده بودند. صحنه سرقت نشان می داد که سارقان حرفه ای از خالی بودن دو مغازه مجاور طلافروشی خبر داشتند. کارآگاهان در ادامه به سراغ دوربین های مدار بسته رفتندو بازبینی تصاویر نشان داد که ساعت یک بامداد دهم آذر، سه مرد در حالی که صورت هایشان را با نقاب پوشانده بودند از یک ماشین پیاده شده اند و به سراغ مغازه اول رفتند. آن ها ساعت ۵صبح درحالی که طلاها را داخل کوله پشتی خود قرار داده بودند از سوراخی که در دیوار مغازه اول ایجاد کرده بودند، خارج و متواری شدند. دزدان پس از خروج، دستگاه هواپرش را داخل سطل زباله انداخته بودند. از آن جا که دو مغازه ه کناری طلافروشی تخلیه بود و صاحب مغازه طلافروشی معمولاً بخشی از طلاهایش را در گاو صندوق نگه می داشت این فرضیه بوقیشت که سرقت از سوی آشنا رخ داده است. در ادامه روند تحقیقات، مأموران به فروشنده مغازه طلافروشی که زنی جوان بود، مشکوک شدند. او یک روز قبل از سرقت در ساعت غیر کاری اش در اطراف محل سرقت نیز دیده شده و این اواخر رفتار هایش مشکوک بود. در این شرایط بازپرس شعبه هشتم دادسرای ویژه سرقت، دستور بازداشت وی و انجام تحقیقات بیشتر در این پرونده را صادر کرد تا شاید اسر از این سرقت عجیب فاش شود.

پسر جوان اعتراف کرد خواهرش را بعد از سال ها قهر به قتل رسانده و سپس او را با اسید سوزانده است. خواهر و برادری که با کشیدن نقشه خشن، خواهر کوچک شان را به قصد انتقام گیری به قتل رسانده بودند، پای میز محاکمه رفتند. به گزارش اعتماد آنلاین، متهمان که با درخواست ۳۶ساله از سوی پسر مورد علاقه اش به پلیس گزارش شد. او گفت: من مدت هاست با دختر ۳۶ساله ای به نام الناز در ارتباط هستم. امروز صبح مادر الناز با من تماس گرفت و گفت هر چه با خانه الناز تماس می گیر دواپس خ نمی دهد. مادرش نگران او شده بود و من خواست به خانه الناز بروم وحوالش را ببر سم. من چند بار با موبایل الناز تماس گرفتم اما وقتی پاسخ نداد به خانه مجری او رفتم و دراباز کردم و ناباورانه با جسد خونین اش روبرو شدم.

با این تماس، مأموران پلیس به خانه مجردی دختر جوان

با کشف جسد مرد جوان در خانه اش در محله سلیمانیه، یک معمای جنایی روبه روی کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

مرد جوانی تسنیم بیست و پنج آمه جاری، کشف جسد در گزارش در خانه اش در محله سلیمانیه تهران به مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ گزارش داده شد که با اعلام این خبر، تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی با دستور بازپرس کشیک قتل راهی محل حادثه شدند و تحقیقات

### آگهی مزایده عمومی و مزایده مرحله دوم

۱- مزایده گراز: هتل ثامن، واقع در مشهد ابتدای جاده طریقه سمت چپ متعلق به سازمان فرهنگی و سیاحتی کونړ.

۲- موضوع مزایده : ۲۰/۱- اجاره مجموعه ورزشی آبی با امکانات (سونا و جکوزی ، حمام ترکی ، اتاق ماساژ ، کافی شاپ) به متراژ ۹۳ متر مربع واقع در محوطه هتل (مزایده مرحله دوم)

۲/۲- اجاره رستوران سنتی در محوطه هتل

۳- میزان سپرده شرکت در مزایده:

۳/۱- سپرده شرکت در مزایده اجاره مجموعه ورزشی آبی مبلغ ۲۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۳/۲- سپرده شرکت در مزایده اجاره رستوران سنتی مبلغ ۹۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

که می بایست به صورت (الف) ضمانتنامه بانکی از بانک های مورد تایید مزایده گر یا (ب) واریز وجه نقد به شماره حساب ۰۳۰۲۶۱۲۸۱۰۰۰۵ بانک صادرات در وجه هتل ثامن و ارائه رسید پرداخت.

۴- جهت دریافت اسناد مزایده: مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به شماره حساب ۰۳۰۲۶۱۲۸۱۰۰۰۵ بانک صادرات پرداخت و اصل فیش واریزی هنگام اخذ اسناد مزایده به واحد امور مالی و اداری هتل ارائه گردد. هزینه خرید اسناد مزایده قابل برگشت نمی باشد.

۵- هزینه انتشار آگهی مزایده از محل و دریافت اسناد مزایده: مشهد

۶- محل و مهلت بازدید از محل و دریافت اسناد مزایده: مشهد
انتهای بلوار وکیل آباد ابتدای جاده طریقه هتل ثامن واحد اداری هتل جاوگنر تا ساعت ۱۶ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۰۷

۷- محل و مهلت تحویل پیشنهادات: تهران خیابان کریم خان زند خیابان ایرانشهر بعداز چهارراه پلاک ۱۳۷ سازمان فرهنگی سیاحتی کونړ جاوگنر تا ساعت ۱۶ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۴

۸- محل و زمان بازگشایی پیشنهادات:

تهران خیابان کریم خان زند ،خیابان ایرانشهر بعداز چهارراه اراک پلاک ۱۳۷ ساعت ۱۱صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۸
۹- هرگاه برنده مزایده از انعقاد قرارداد خودداری کند یا پس از ابلاغ قانونی جاوگنر تا هفت روز حاضر به انعقاد قرارداد نشود، سپرده او به نفع سازمان فرهنگی سیاحتی کونړ ضبط و قرارداد با برنده دوم منعقد خواهد گردید.

۱۰- سازمان فرهنگی سیاحتی کونړ در رد یا قبول پیشنهادات مختار است و به پیشنهادات ناقص یا بخودش ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۱۱- به پیشنهاداتی که پس از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل شود، مخطلاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

از کلیه متقاضیان واجد صلاحیت دعوت میگردد با همراه داشتن مدارک سوابق کاری در تاریخ تعیین شده به واحد اداری هتل مزایده نمایند.

جهت کسب اطلاعات با شماره ۰۵۱۳۵۵۱۰۹۰۰ واحد اداری تماس حاصل گردد.
۱۳۸۸۸۸۸۸۸۸/۱۴۰۱

دوشنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۱  
۲۴ جمادی الاول ۱۴۴۴. شماره ۲۱۱۱۰

### خراسان روزنامه صبح ایران

در امتداد تاریکی

## گوشی قاپی برای خوشگذرانی!

فکر نمی کردم پلیس مرا شناسایی کند چرا که برای گوشی قاپی از مردم، هر نوع حيله ای را به کار بردم تا نیروهای انتظامی به من مشکوک نشوند امانمی دانم در یک لحظه پول نقدی افتاد که خودم را در محاصر پلیس دیدم و ...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، جوان ۲۲ ساله ای که دختری را با وعده از دواج فریب داده و او را همدست تبهکاری هایش کرده بود، پس از آن که در عملیات ضربتی نیروهای کلانتری رسالت مشهد به چنگ پلیس افتاد و راز بیش از ۵۰ فقره گوشی قاپی را افاش کرد، در باره سرگذشت خود نیز گفت: من تعمیر گاه خودرو دارم و از نظر مالی بی نیاز هستم. درآمد به حدی است که می توانم به راحتی امورم را بگذرانم و خوشگذرانی کنم!

من بیشتر در آمدم را برای این گونه تفریحات، هزینه می کردم تا این که تصمیم گرفتم به خاطر هیجان و خوشگذرانی بیشتر گوشی قاپی کنم! ولی برای آن که دستگیر نشوم، انواع حيله ها را به کار بردم و بارها نقشه سرقت هایم را مرور کردم تا سرخی از خودم به جا نگذارم.

در این میان با دختر جوانی که یک سال از خودم بزرگ تر بود، ارتباط خیابانی برقرار کردم و با یکدیگر به تفریح و گشت و گذار در شهر می رفتم. من برای این منظور از یک دستگاه موتورسیکلت طرح هوندا استفاده می کردم و از هیچ نوع خوشگذرانی دریغ نداشتم. این بود که آن دختر را هم با وعده از دواج با خودم همراه کردم تا پلیس یا شهروندان هنگام ارتکاب جرم به من مشکوک نشوند و چنین تصور کنند که زوج جوانی سوار بر موتورسیکلت می شوند! از سوی دیگر هم شماره های پلاک موتورسیکلت را مخدوش تا مالم با ختگان نتوانند شماره پلاک موتور سیکلت را در اختیار پلیس قرار دهند. خلاصه بعد از آن که نقشه سرقت ها را از همه نظر بررسی کردم به گوشی قاپی در خیابان گاز رسالت روی آوردم. آن دختر در تر ک موتورسیکلت می نشست و من افراد را بخورده ای را بر سرقت گوشی انتخاب می کردم که سرگرم گفت و گوی تلفنی بودند و به اطراف خودشان توجهی نداشتند.

اولین بار پیرمردی را که مغازه خواربار فروشی داشت زیر نظر گرفتم و در یک لحظه گوشی او را قاپیدم و به همراه «ترانه» از محل متواری شدم. این جوان گوشی قاب که سوابق متعدد کیفری نیز

در پرونده سباهش خودنمایی می کند با بیان این که فقط برای هیجان و خوشگذرانی سرقت می کردم، ادامه داد: بعد از آن سرقت، دامنه گوشی قاپی ها را به مناطق طبرسی، بولوار شهید مفتح، خیابان آیت...، عبادی، شیخ صدوق و ... کشاندم و روزی چند گوشی از افراد ناتوان و ساقزورده، می ربودم! آن دختر هم بر تر ک موتور سیکلت می نشست و بعد از هر گوشی قاپی فقط جیغ می کشید اما سرقت ها را من به تنهایی انجام می دادم و از او فقط به عنوان طعمه استفاده می کردم که شناسایی نشوم! بخشی از نقشه ام گوشی قاپی در تاریکی خیابان ها بود به همین دلیل هم معمولاً از اوایل شب با آن دختر سوار بر موتورسیکلت به بولوار طبرسی می آمدم و طعمه ها را شناسایی می کردم. تا این که شب قبل وارد خیابان گاز شدیم و من فردی را که در حال گفت و گوی تلفنی بود زیر نظر گرفتم و در یک لحظه گوشی را از دست او قاپیدم اما نفهمیدم که چگونه نیروهای گشت کاپیبتی رسالت در یک چشم بر هم زدن خود را به خیابان گاز رساندند و من لحظه ای به خود آمدم که در محاصره نیروهای انتظامی قرار داشتم! سعی کردم گوشی های سرقتی را در تاریکی شب به داخل خیابان پرت کنم ولی افسران نیروی انتظامی چنان غافلگیرانه دستام را به یکدیگر حلقه زدند که هنوز هم در شوک این دستگیری هستم و ...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: در حالی که ۶ دستگاه گوشی تلفن همراه سرقتی از این جوان سابقه دار کشف شده بود، وی به همراه دختر جوان به کلانتری انتقال یافت و با صدور فرمانی ویژه از سوی سرهنگ احمد نگهبان (رئیس پلیس مشهد) مورد بازجویی های تخصصی قرار گرفت چرا که از مدت ها قبل جرمی مانند گوشی قاپی از جمله جرایم مهمه به شمار می رود نیروهای انتظامی برای دستگیری همه عوامل مرتبط با سرقت های مذکور به ریشه یابی دقیق جرم می پرداخت! از این میان نیز متهم ۲۲ ساله در حالی که به ۱۴ فقره گوشی قاپی در مراحل اولیه بازجویی اعتراف کرده بود، مالخر گوشی های سرقتی را هم به پلیس لو داد اما مأموران انتظامی که با راهنمایی های رئیس پلیس مشهد به سرخه هایی از پرونده های مشابه در مراکز انتظامی رسیده بودند، دامنه تحقیقات را کسترش دادند تا این که مشخص شد او دختر جوان تاکنون بیش از ۵۰ فقره سرقت انجام داده اند. در همین حال تعدادی از مال باختمان که به کلانتری رسالت آمده بودند، وی را شناسایی کردند اما بررسی ها در باره کشف دیگر جرایم احتمالی این تبهکار خوشگذران ادامه دارد.

**ماجرا واقعی با همکاری پلیس مشهد**